

تاکتیک‌ها، سلاح‌ها و تکنیک‌های جنگجویان و
سلحشوران ایرانی در شاهنامه

نویسندگان:

دکتر منوچهر مشتاق خراسانی

حسام‌الدین شافعیان

آرون سینگ



انتشارات دانشکده فرماندهی و ستاد ارتش

جمهوری اسلامی ایران

زمستان ۱۳۹۱

سرشناسه	:	مشتاق خراسانی، منوچهر
عنوان و نام پدیدآور	:	تاکتیک‌ها، سلاح‌ها و تکنیک‌های جنگجویان و سلحشوران ایرانی در شاهنامه Tactics Weapons and Techniques of Persian Warriors in the Book of Kings نویسندگان: منوچهر مشتاق خراسانی، حسام‌الدین شافعیان، آرون سینگ
مشخصات نشر	:	تهران: ارتش جمهوری اسلامی ایران، دانشکده فرماندهی و ستاد آجا، انتشارات دافوس، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	:	۹۶ ص: مصور.
شابک	:	۹۸۷-۹۶۴-۲۵۲۳-۴۸-۱
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
یادداشت	:	فارسی-انگلیسی
موضوع	:	فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۴۱ ق. شاهنامه - سلاح‌ها جنگ در ادبیات
شماره افزوده	:	شافعیان، حسام‌الدین، ۱۳۶۲ - سینگ، آرون کومار، ۱۹۲۹ - م
شماره افزوده	:	ایران. ارتش، دانشکده فرماندهی و ستاد. انتشارات
رده بندی کنگره	:	۵۱۳۹۱ م ۷۷/۲۴۹۷ D12
رده بندی دیویی	:	۳۲۱۳۴
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۰۱۳۸۹۹

عنوان: تاکتیک‌ها، سلاح‌ها و تکنیک‌های جنگجویان و سلحشوران ایرانی در شاهنامه
ناشر: انتشارات دانشکده فرماندهی و ستاد آجا (دافوس)

نویسندگان: دکتر منوچهر مشتاق خراسانی، حسام‌الدین شافعیان، آرون سینگ

ویراستار انگلیسی: حسن قاضی

ویراستار فارسی: حسین مومنی فرد

طرح روی جلد: محمد رضا عسگری

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه چاپ: اول

تاریخ انتشار: زمستان ۱۳۹۱

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپ‌خانه دانشکده فرماندهی و ستاد آجا

قیمت: ۴۰۰۰۰ ریال

نشانی: تهران، میدان پاسور، خیابان دانشگاه جنگ، دانشکده فرماندهی و ستاد آجا

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۱۴۱۹۱ www.dafosaja.ac.ir

مسئولیت صحت مطالب بر عهده مؤلفین می‌باشد.

کلیه حقوق برای انتشارات دافوس محفوظ است. (نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است)



فهرست مطالب

۷	سخن ناشر
۹	مقدمه
۱۰	ساختار فرماندهی و آرایش میدان نبرد
۱۳	تاکتیک در زمان کم بودن استعداد در مقابل دشمن
۱۴	حمله غافلگیرانه
۱۶	کاربرد روانشناسی جنسی و جامعه شناسی
۱۷	تاکتیک‌های جنگ محاصره‌ای
۱۸	تأثیر روان بر حوزه آرایش و تاکتیک‌های جنگی
۲۰	تهیه و توزیع آماد
۲۲	سلاح‌های تهاجمی در شاهنامه
۳۰	زره و سلاح‌های دفاعی شاهنامه
۳۶	نبرد تن به تن در شاهنامه
۳۸	ترتیب استفاده از سلاح
۳۹	جزئیات نبرد تن به تن
۴۰	کلام آخر

سخن ناشر

یکی از عوامل پیروزی ساز در جنگ، استفاده از روش‌ها و شیوه‌های مختلف رزم است. به روش‌های جنگ، امروزه «تاکتیک» گفته می‌شود. گاهی انسان در زندگی با موانعی برخورد می‌کند که نیروی جسمانی او قادر به رفع آن نیست بلکه باید با استفاده از نیروی اندیشه برای دفع آن اقدام کند. عامل مهم پیروزی در جنگ‌ها را می‌توان ایمان قوی و استفاده از فنون نظامی دانست.

با مطالعه آثار به جای مانده از سرگذشت کشور ایران، مخصوصاً شاهنامه‌ی فردوسی، پی می‌بریم که یکی از عوامل مهم برتری ایرانیان، قدرت نظامی آن‌ها و راز برتری نظامی آنان برخورداری از تفکر نظامی و فنون مختلف جنگی و بکار بردن درست سلاح در میدان رزم بوده است، بنابراین بررسی و شناخت این روش‌ها ضرورت دارد و شاهنامه‌ی فردوسی یکی از آثار منعکس کننده‌ی شیوه‌های جنگی اقوام ایرانی است که در آن ضمن بیان تاکتیک‌ها و تکنیک‌ها، نوع سلاح و چگونگی کاربرد آن‌ها در آن روزگاران، توسط شاعر نامی ایران زمین فردوسی، با ظرافت خاص در قالب شعر حماسی ارائه شده است.

این اثر حاصل تحقیق آقای دکتر منوچهر مشایق خراسانی با همکاری آقایان حسام الدین شافعیان و آرون سینگ می‌باشد که به مناسبت برگزاری نمایشگاه «رزم و رزم‌افزار» تهیه شده است و با حمایت‌های بی‌دریغ آقای محمدرضا جواهری مدیر عامل مؤسسه فرهنگی بنیاد مستضعفان، سرکار خانم پریسا اندامی رئیس اداره خزانه‌های مؤسسه، سرکار خانم اشرف حاجی خزانه دار جنگ‌افزار و سرکار خانم هلن اسمعیلی همراه بوده است. با امید موفقیت برای همه کسانی که در اشاعه فرهنگ ایران اسلامی تلاش می‌نمایند.

مقدمه:

شاهنامه نوشته حکیم ابوالقاسم فردوسی از چهره‌های ادبی بنام در فرهنگ و ادبیات ایرانی است. شاهنامه شعر حماسی غنی و وسیعی است که فرای داستان‌های آموزنده است که از طریق آن می‌توان به‌طور کامل به سامان‌مندی تاکتیک‌های نظامی ایرانیان پی‌برد. از مجموعه علوم که در شاهنامه موجود است، موضوع تشکیلات و تاکتیک‌های جنگی ویژه و برجسته است که اساس دقیقی دارد. داستان‌ها در شاهنامه به‌گونه‌ای است که بعد از چند بار خواندن حفظ آن را ساده می‌کند توسط شاعر به‌گونه‌ای آورده شده است که به‌طور گسترده توسط گروه‌های خاصی از مردم خوانده شود، از این رو در میان جمعیت پارسی زبان بسیار شناخته شده است. به همین جهت است که اشعار حماسی در شاهنامه به عنوان منبع فرهنگی برای دیگر دانش‌ها چون تاریخ، علوم اولیه، اسطوره‌شناسی و فلسفه انتظام گیتی تلقی می‌شود. کلازوتیز تاکتیک نظامی را یکی از موضوعات تئوری نظامی معرفی می‌کند که شامل وسیله‌ها و اهداف می‌شود وسیله در تاکتیک‌ها، نیروی جنگی است که برای جنگ آموزش دیده است و هدف پیروزی است کلازوتیز (۱۹۹۳: ۱۶۴). حتی یک روخوانی سرسری از شاهنامه کافی است که ما را به اطلاعاتی در خصوص وسیله‌ها و اهداف پیروزی برساند. با این وجود مطالعه وسیله‌های پیروزی از نقطه نظر تاکتیکی باید لزوماً به مواردی محدود گردد که درباره اصول صحیح آرایش و درگیری در جنگ هستند باید موارد فرعی مانند ساخت، برد و اثربخشی سلاح‌ها را که با این که جالب هستند، کمکی به واسازی اصول تاکتیک‌های کلی و روش‌هایی که به آسانی می‌توان بدان‌ها پی برد نمی‌کنند. بنابراین، مباحث گسترش و تاکتیک در نبرد موجود در شاهنامه که در ذیل آمده است تلاشی است نه تنها برای شناسایی روش‌های نبرد، بلکه برای جداسازی سامان‌مند و روش‌مند آن‌ها از نکات و جزئیات یافت شده در این شعر حماسی. (همان منبع ۱۹۹۳: ۱۶۷).

ساختار فرماندهی و آرایش میدان نبرد:

شاهنامه بارها به صف آرایی سربازان در میدان جنگ پرداخته است. سربازان در دو گروه پیاده نظام (پیادگان) و سواره نظام (سواران) تقسیم می‌شوند (فردوسی: ۱۳۸۴: ۶۱۲، ۱۰۱). در این کتاب هم به نام اسب و هم به انواع مختلف آن از جمله رخش (اسب سفید و قرمز)، چرمه (اسب سفید)، تکاور (اسب نجیب و تندرو) اشاره شده است (فردوسی: ۱۳۸۴: ۹۹۳، ۳۰۰، ۲۰۰). از تجهیزات اسب نیز نام برده شده است مثل نعل، عنان، فتراک، ستام، تازیانه، زین، ستام زرین و زین خدنگ (فردوسی: ۱۳۸۴: ۱۲، ۶۱۲، ۱۰۱). فیل‌ها در برخی جنگ‌ها به نام پیل جنگی معرفی شده‌اند (فردوسی: ۱۳۸۴: ۶۱۲، ۳۰۰، ۲۰۰). بیرقی را که قهرمان با خود حمل می‌کند، درفش و مشهورترین آن را درفش کاویانی نامیده است (فردوسی: ۱۳۸۴: ۶۲۰، ۴۵۱، ۵۷۵).

شاه در برخی مواقع به عنوان فرمانده کل قوا (سپه دار) در میدان جنگ (رزمگاه) (فردوسی: ۱۳۸۴: ۵۱۲، ۵۷۵). حضور دارد و در موارد دیگر یک فرمانده نام‌دار که غالباً رستم است فرماندهی را به عهده می‌گیرد. جنگ رستم و اسفندیار نمونه بارز و جالبی از ساختار فرماندهی ارتش ایران باستان است. این جنگ تن به تن در میانه یک نبرد بزرگ بین دو گروه متخاصم می‌باشد. کقیاد شاه ایران به عنوان ژنرال ارشد، در میدان جنگ از سربازانش سان می‌بیند و از این رو مرتباً قبل و در طول جنگ حضور داشته و تأثیر روحی خوبی بر سپاهش دارد.

با این وجود اولین حمله از سوی قوای ایران از طریق رستم صورت می‌گیرد. فقط زمانی که رستم وارد میدان مبارزه می‌شود، سربازانش به صف ایستاده و از لحاظ روحی آماده جنگ می‌شوند. بعد از آن شاعر به ساختار فرماندهی و صف آرایی در پیاده نظام و سواره نظام اشاره می‌کند. در حالی که رستم، پیش‌قراولان را با فرماندهان و قهرمانان هدایت می‌کند؛ زال و کقیاد از آن‌ها حمایت می‌کنند

با این توصیف، ترتیب نبرد و صف آرایی سربازان را می‌شود مشاهده کرد. به‌طور برجسته، هنگ‌ها بر اساس توانمندی‌های فرماندهانشان که هریک قهرمان نام‌داری است سازمان‌دهی شده‌اند. هیچ پس قراولی وجود ندارد. مهراب و گسته‌م جناح‌ها را رهبری می‌کنند، آن‌ها فرماندهان قابل اعتمادی هستند که مهراب به جهت آنکه فرماندار کابل می‌باشد و گسته‌م به دلیل مصمم بودنش شناخته شده هستند. این تقسیم بندی نشان می‌دهد که در مقایسه با قهرمانان دیگر آن‌ها توانایی بیشتری ندارند. در واقع مهراب به عنوان نماینده شاه در کابل که باید ساتراپ باشد با نمایندگی شاه در کابل وظیفه اجرایی دارد و بر اساس ساختار فرماندهی و اجرایی در دوره قدیم به وظیفه نظامی در بخش‌های دیگر امپراتوری می‌پردازد (زکندا و هوگ ۲۰۰۲: ۱۳). دوم اینکه سپاه جلودار توسط قهرمانانی چون رستم هدایت می‌شوند و نه به وسیله فرماندار ارتش که بالاترین درجه را داراست. لذا؛ شاه همراه با زال قهرمان، ژنرال بالفعل جنگ هستند. از این رو برتری در میان فرماندهان به درجه و رتبه آن‌ها مربوط نمی‌شود بلکه به هوش و استعداد فردی آن‌هاست که با برتری تاکتیک‌شان مدنظر قرار می‌گیرند.

قارن به معنای دلیر و کشتاد به معنای شکننده سپاه، از فرماندهان سپاه مرکزی هستند. آن‌ها در ارتش ایران تهاجمی عمل می‌کنند. یعنی آرایش سپاه دشمن را به هم می‌ریزند و از این رو از سربازان نخبه تشکیل شده‌اند و این تشکیلات استاندارد سپاه ایرانی است که تاریخ نویسان یونانی، به خصوص در رابطه با نبرد ماراتن، آن را این‌گونه توصیف می‌کنند (زکندا و هوگ ۱۹۹۲: ۱۳). بخش مرکزی سپاه ایران توسط فرماندهانی هدایت می‌شود که از جمله سواران نظام‌های متبحر هستند. قارن برای حمله از همه طرف اسب، بجای نیزه زن، یک تیرانداز است. این ایده بدین سبب تقویت می‌گردد که وی ابتدا راه را از میان سپاه دشمن باز می‌کند و سپس شمشیر خود را از غلاف خارج می‌سازد. بعلاوه وی دشمن همتای خود را یافته و جنگ تن به تنی را با وی آغاز می‌کند. در سراسر شاهنامه، این

شیوه را فرماندهای مشهور میدان به خصوص رستم قهرمان مشهور شاهنامه به کار گرفته و تأثیر روحی خوبی بر سپاهش گذاشته و نهایتاً جنگ را با پیروزی خاتمه می‌دهند.

در این نبرد رستم همتای خود، افراسیاب را از میان سپاه دشمن یافته او را می‌شناسد و برای دستگیری او اقدام می‌کند (وارنر ۱۹۰۶: ۳۰۳، ۳۰۱). روشی که شعر آن را توصیف می‌کند برای درک تاکتیک نظامی ایران مهم است. گفته شده است که رستم در دل سپاه تورانیان نفوذ کرده خود را به ژنرال می‌رساند در حالی که سپاه توان خود را از دست داده کمربند او را گرفته و به زمین می‌زنند. تورانیان داد و بیداد راه می‌اندازند. فرماندهان دلیر بر گرد شاهی که افتاده است، جمع می‌شوند و از او حفاظت می‌کنند. پس از پیروزی دشمن، بر اسب تندرو خود به سمت دشت سوار شده و برای نجات خودش سپاهش را رها می‌کند (وارنر ۱۹۰۶: ۳۰۳، ۱۴۰).

در این داستان رستم فرمانده جلودار می‌باشد. وی به عنوان قهرمان جلودار، در دل سپاه دشمن نفوذ کرده و تشکیلات آن‌ها را درهم ریخته و موجب تخریب نظم و روحیه آن‌ها می‌شود با این هدف که ژنرال آن‌ها را دستگیر کند. از این رو تاکتیک بکار رفته استفاده از آرایش ۷ است. با رهبری سپاه توسط رستم در بخش جلودار و وجود سربازان نخبه در سپاه میانی، سپاه برتر را به یک نقطه گسیل داشته و از آن نقطه در سپاه دشمن شکاف ایجاد می‌کند. پس از این موفقیت، شاه به نیروهایش دستور می‌دهد که در حالیکه دشمن آشفته شده است به تعاقب بپردازند.

چنین تاکتیکی بارها در شاهنامه دنبال می‌شود به خصوص در مورد جنگ کیکاووس با دیو. این تاکتیک بارها در شاهنامه ذکر گردیده است. به عنوان مثال در شعر شماره ۳۶۹ کیکاووس برای مراقبت از ترتیب استقرار سربازان در قسمت جلویی صحنه نبرد به پیش می‌تازد. در جای دیگری، جلودار برگزیده سپاه

تصمیم گرفت تا بر نقاط ضعف دشمن در بخش دفاعی هجوم آورد و فرماندهان آنان را مورد هدف قرار دهند. گروهی از سربازان پیاده نظام و سواره نظام نخبه با فرمانده عالی رتبه خود در میان آنان به دنبالش بودند ولی از سوی سلحشوران وفادار و استوار حفظ می‌شدند، آن‌هایی که با نماد زره‌های خود و بانگ شیپورهاشان تأثیر روانی زیان‌آوری را بر دشمن وارد آورده و روحیه سپاه ایرانیان را به آن‌ها باز می‌گرداندند.

در این نبرد، با وجود اینکه دشمن شایسته‌تر و دلیرتر از سپاه افراسیاب است، اما تاکتیک عوض نمی‌شود. نیروهای مازندران قهرمان برجسته‌ای را به نام جویا به جلو می‌فرستد که رستم به پاسخ برمی‌خیزد و او را به راحتی شکست می‌دهد. سپس دشمن نیروی کینه‌توزش را به جلو می‌فرستد و شاه ایران ضمن ضد حمله به سپاهش فرمان می‌دهد تا با حفظ نظم به جلو بروند. نیروها به مدت یک هفته می‌جنگند تا شاه کیکاووس به این نزاع می‌پیوندد و جنگ را به نفع ایران به پایان می‌رساند. نبردی که باز رستم مسئولیت خط‌جلو را بعهده داشت و خطوط دشمن را شکافته و جنگ را با پیروزی نیروهای ایرانی خاتمه داد.

تاکتیک در زمان کم بودن استعداد در مقابل دشمن

در داستان نبرد سپاه ایران به رهبری رستم با سپاه پادشاه (بربرستان، مصر، هاماوران) شاهنامه ما را با جزئیات مشروح دیگری از تشکلات و ترتیبات تاکتیک نظامی ایران باستان آشنا می‌کند. در این داستان، دشمن فیل‌های بی‌شماری را در خطوطی که کیلومترها امتداد دارد به صف کرده است (وارنر ۱۹۹۶: ۹۶).

باز هم پاسخ ایران همانند دیگر نبردهاست. مانند گذشته سربازان تحت امر رستم در صف اول قرار داشته، حمله را آغاز نموده و صفوف دشمن را درهم می‌نوردد. رستم از پیش حمله می‌کند و بهترین نفرات سپاهش از پس وی می‌آیند تا به یکی از فرماندهان معروف دشمن حمله کنند. تنها اختلاف در این سناریو این

است که رستم مجهز به کمند بوده و الویت اصلی را گرفتن اسیر بیشتری از سپاه دشمن قرار می‌دهد. از این رو نتیجه این می‌شود که پادشاه هاماوران از وی درخواست صلح می‌کند و این کار منجر به آزادی کیکاووس و دیگر اسیران ایرانی می‌گردد (وارنر، ۱۹۰۶: ۹۷).

زمانی که جنگجویان ایرانی توسط نیروهای خصم محاصره می‌شدند، آن‌ها از تکنیک چرخ استفاده می‌کردند. ورزش چرخش در نبرد با استفاده از دو خنجر در دست صورت می‌گیرد که چرخ به دور بدن با بازوان باز صورت می‌گیرد تا راه را در میان سپاه دشمن باز نماید. به خصوص عیاران از این تکنیک در زمان محاصره استفاده می‌کردند. آن‌ها در هر دست دو خنجر می‌گرفتند و به سرعت می‌چرخیدند، زمانی که دشمن سعی به نزدیک شدن می‌کرد، سر خنجر بدن نفرات دشمن را زخمی می‌کرد و آن‌ها از همین فرصت استفاده کرده و فرار می‌کردند. این تکنیک هم اکنون در ورزش پهلوانی استفاده می‌شود و کازرونی آن را یکی از زیباترین بخش‌های ورزش پهلوانی معرفی می‌کند که بیش از این نیز به عنوان تکنیک جنگی در جنگ تن به تن استفاده می‌شده است. مثال زیر در شاهنامه نوع تکنیک را بیان می‌دارد (فردوسی، ۱۳۸۴: ۸۷۳):

دو خنجر گرفتند هردو به کف
بگشتند پندال میان هردو صف
حمله غافلگیرانه:

بر اساس شاهنامه، دلیل موفقیت رستم در جنگ با افراسیاب و ارتش تورانیان برهم زدن سپاه دشمن از طریق حمله بر قلب آن توسط سواره نظام‌ها و پیاده نظام‌ها بوده است. هرچند شاهنامه ۳ شرط را در تهاجم به دشمن غافلگیر شده گوشزد می‌کند.

۱. تهاجم فاقد حمایت از سوی یک اهرم اخلاقی است.
۲. تهاجم نادیده گرفتن کامل صلاحیت ژنرال دشمن را نشان می‌دهد.

۳. تهاجم بر ترتیب صحیح سربازان تکیه نمی‌کند و فقط بر یک گروه خاص مثلاً چریک‌های پیاده تکیه دارد.

از این رو شاهنامه تأکید می‌کند که تاکتیک ایرانی‌ها در زمان بهم ریختگی نیروی حریف، فقط استفاده از نیروهای برتر در مقابل ضعیف نیست، بلکه توانایی دشمن در ساماندهی دوباره و انتقام را هم باید در مدنظر داشت.

چنین اصلی را می‌توان در حمله نابرابر کیکاووس به مازندران مشاهده نمود. شاه کیکاووس تصمیم می‌گیرد که به مازندران (استانی در شمال شرق ایران) حمله کند و دلیل حمله او چیزی جز طمع و حرص و غارت و هیا هو به پا کردن نیست. او تلاش می‌کند از گرزداران جلودار برای اولین حمله استفاده کند ولی اقدامش بی‌نتیجه می‌ماند. سپس دستوری به این مضمون به قهرمانش گیو می‌دهد

«دو هزار نفر از گرزداران جنگجو را برای حمله به مازندران آماده کن. هرچه پیر و جوان است بکش و همه جا را به آتش بکش و ویران کن. روز را به شب برسان و پیش از بیدار شدن آن‌ها هر کس سواره جنگ شد را بکش.»

گیو بنابر دستور شاه، جنگجویانی را با خود گسیل داشت، آن‌ها آبادی‌ها را در مازندران خراب کردند، ویران کردند و جنگ یک هفته به طول انجامید و سپس خاتمه یافت این باعث گردید تا فرماندار مازندران دیو سفید در پی انتقام برآید دیو سفید بر بالای سر آنان (دشمنان) دود سیاهی به راه انداخت که هوا را تیره و چشم را سیاه نمود. سپس از آسمان سنگ و تیر فرو ریخت. سربازان ایرانی به ناچار متفرق شدند و دل شکسته از کار کاووس عده‌ای به سمت ایران رفتند (وانر ۱۹۰۶: ۳۸، ۳۹).

از این رو نداشتن آرایش یک ارتش منظم و تکیه بر قدرت سربازان در مقابله با دشمن از هم گسیخته موجب شکست سپاهیان کیکاووس و کور شدن سربازان بر اثر حمله دیو سفید گردید که برای آن‌ها دام گذاشته و سپس راهبرد دفاعی مناسبی را بکار بسته بود. بی‌فکری کیکاووس برای رسیدن به هدف از طریق

تهاجم و غارت بدون داشتن آرایش تاکتیکی صحیح موجب خشم دیو سفید و همچنین پراکندگی و نابینایی بهترین جنگجویانش گردید. در این بین، شعر حماسی فکر و بینش دیو سفید را تقدیس می‌کند و بیشتر خردورزی او را در گسترش نیروهای مسلحش به درستی اخلاق او ربط می‌دهد.

بر اساس بیت ۳۸۹، کیکاووس همراه به قهرمانش گیو، گودرز، گرگین و زنگا پسر شاوران، محاصره شده و توسط حاکم هاماوران اسیر می‌شوند. بی‌دقت و اعتماد به نفس بسیار بالای وی موجب وقوع چنین رخدادی گردید و راهی برایش باقی نماند تا منتظر رستم بماند تا او را رهایی بخشد.

کاربرد روان‌شناسی جنسی و جامعه‌شناسی:

شاهنامه مبارزه سلحشور ایرانی سهراب (پسر رستم) را بر علیه ایران در یک موقعیت و فرصت مناسب توصیف می‌کند. در کشاکش پیروزی وی بر دشمن مشهورش گسته‌م، دختر وی گردآفرید که تبارین نظامی را با لباس مخصوص به عنوان سواره نظام انجام می‌داد، وی را دعوت به نبرد تن به تن می‌کند. در جایی که خود را مرد نشان می‌دهد. سهراب شخصاً مبارزه با وی را پذیرفته و دفاع خوبی انجام داده و بر وی پیروز می‌شود ولی متوجه می‌شود که وی یک زن است. گردآفرید او را اغوا کرد و وعده باز شدن درب قلعه را بدون جنگ و خون‌ریزی به وی می‌دهد و از دستش خلاص می‌یابد و اما پس از آن خواب وعده کرده و در قلعه پنهان می‌شود. اقدام او به نظر عملکرد جاسوسی بود تا اطلاعات دشمن را برای رستم و شاه آشکار نماید (واتر ۱۹۰۶: ۳۸، ۳۹).